



پیکار پیروز مرجعیت شیعه علیه استعمار انگلیس

پدیدآورده (ها) : ذبیح زاده، علی نقی

ادیان، مذاهب و عرفان :: معرفت :: مرداد 1382 - شماره 68

از 81 تا 86

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/21298>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان

تاریخ دانلود : 14/01/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

پیکار پیروز مرجعیت شیعه علیه استعمار انگلیس



علی نقی شیخ زاده

صاحب رباعی‌الادب در شرح طالع منظوم شیرازی می‌نویسد: «میرزا محمد تقی شیرازی دارای حصول علمای امامیه عصر ما و عالمی عامل، فاضل، عالم، عابد، زاهد، متقی، مجتهد اصولی، ادیب بارع، از تلامذه فاضل ارشدانی و حاج میرزا محمد حسن شیرازی؛ شعر خوب و طرفه نیز می‌گفته، بعد از وفات استاد معظم شیرازی خود در سامرا متصدی اداره حوزه علمیه و تدریس بوده و اخیراً به نجف اشرف رفته و مرجع استفاده تحول و ریاست علمیه فرقه مطلقه نوعاً بدو منتهی و مرجع تقلید اکثر شیعیان بوده و از تألیفات و آثار قلمی او است:

۱. شرح یا حاشیه مکاسب فی حق مرتضی انصاری که در تهران چاپ شده؛
۲. شرح منظومه رضاعیه سید محمدالدین حامی؛
۳. القیاسات الفاضله فی مدح العترة الطاهرة (۱) که دیوان شعری است به فارسی؛
۴. رساله صلاح الجنده؛
۵. رساله الفاضل (۲)

مرحوم میرزا محمد تقی شیرازی (دوم) برقر و مکتب سامرانی استادش، میرزا بزرگ شیرازی، صاحب فتاوی فیه و فی تحریم تنباکو بود که در کنار همزمانی آن با کماله اخیرت خراسانی، بنا استبداد خود کامکان حکام درون کشورهای اسلامی و سلطه اجانب به مبارزه برخاستند.

مرحوم میرزا شیرازی علاوه بر رهبری انقلاب اسلامی ۱۲۲۰ قمری علیه متجاوزان انگلیس، در جریان حوادث ایران بود و با قرار داد لندن ۱۲۱۶ و برقر انزواء خرافات محمود سرپرستی کاکس، عامل انگلیس، در آبان سال ۱۲۱۸ در تهران گوشش می‌کرد تا قرار داد لندن را ایما بین دولت ایران و انگلیس

میرزا محمد تقی حائری شیرازی در سال ۱۲۲۰ قمری در شیراز به دنیا آمد، وی از علمای بزرگ روحانی، وارسته و شایسته عالم تشیع بود که پس از درگذشت آیه‌الله سید کاظم یزدی، صاحب حرره اللؤلؤیه، در سال ۱۲۳۶ قمری، مرجع تقلید شیعیان گردید، او هموطن از شاگردان آیه‌الله میرزا محمد حسن شیرازی و فاضل اردکانی بود و پس از درگذشت استادش، وی حوزه درس او را در سامرا اداره کرد و به تدریس پرداخت؛ آن‌گاه به کاظمین رفت و در آن‌جا نیز حوزه درس ترتیب داد و پس از آن چندی در کربلا و سپس به نجف اشرف رفت و ریاست حوزه علمیه به وی واگذار گردید. (۱)

مرحوم حاج آقا بزرگ تهرانی در شرح طالع شیرازی (دوم) می‌نویسد: «میرزا محمد تقی حائری شیرازی پیشروای انقلاب عرواق و نخستین در افروخته شعله آن شورش و جنبش، از بزرگ‌ترین علمایان و مجتهدان عصر خود بود. او یکی از مشهورترین چهره‌های هفتاد و هشته مدر علم و تقوا و غیرت شهامت دینی بود. وی با ایستادگی و مسئولیت تمهد شگرف خود را با انجام تکالیف سنگین مرجعیت و رهبری عالم تشیع در نهایت ایمان و صداقت و شجاعت انجام داد و در همین مسیر و جهت به رهبری قوام و صدور فتاواهای انقلابی و درس گفتن و تربیت دانش‌پژوهان دیگر پرداخته»

مرحوم شیخ آقا میرزا قول مرحوم سید حسن صدر در کتاب تکمیل می‌نویسد: «پانزده سال یا بیست سال مشورت داشتیم، در این مدت حتی یک لغزش و خلاف از او ندیده و یک روش ناپسند مستهجن از او مشاهده نکردیم. توازنه سال یا او نیز بحث بودم و همواره نظراتی دقیق و افکار عمیق و یادآوری‌های علمی و ارزشمندی از او می‌شنیدیم و استفاده می‌کردیم... شیخ آقا بزرگ به دنبال این نقل می‌نویسد: «پس شوم مذمت بحالی در درس آیه‌الله شیرازی شرفیافته و صحبت گفتار مرحوم صدر را مشاهده کردیم» (۲)

نقش میرزای شیرازی در انقلاب اسلامی ۱۹۲۰ عراق علیه اشغالگران

شکست دولت آلمان در جنگ بین‌الملل اول موجب در هم شکستن دولت عثمانی شد و دولت‌های انگلیس و فرانسه در صدد تصرف متصرفات عثمانی برآمدند. بدین‌روی، فرانسه لبنان را به قیمومت خود در آورد و دولت انگلیس هم عراق و فلسطین را به جنگ آورد.

آن‌ها به بهانهٔ جلوگیری از نفوذ آلمانی‌ها و رهاسازی مردم از سلطهٔ عثمانی‌ها وارد عراق شدند و در تاریخ ۱۷ اکتبر ۱۹۱۸، یعنی پس از پایان جنگ جهانی اول، بیانیهٔ انگلیس و فرانسه منتشر شد که طبق آن تصریح گردید: هدفی که موجب ورود فرانسه و انگلیس در جنگ علیه آلمان در خاورمیانه شده است جلوگیری از طمع‌ورزی آلمان، و آزاد ساختن نهایی ملت‌هایی است که مدت‌ها زیر سطره و بردگی ترک‌های عثمانی بوده‌اند، و همچنین تأسیس حکومت‌های ملی که متکی به میل و ارادهٔ ساکنان اصلی این مناطق و اختیار آنان باشد.

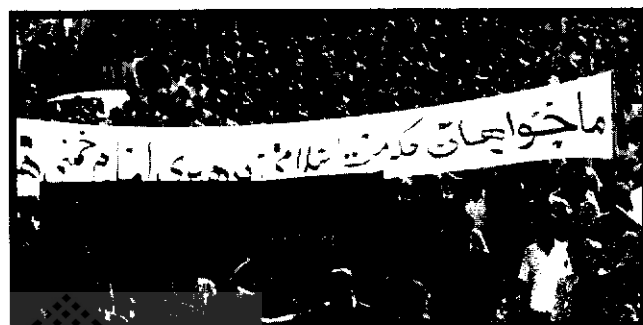
بدین‌سان انگلیسی‌ها می‌خواستند مردم را آرام سازند تا در برابر اشغالگران مقاومت ننمایند، ولی گذشت زمان نشان داد که این وعده‌ها چیزی جز فریب و بهانهٔ استیلای استعمار انگلیس بر ملت عراق، و جزئی از سیاست توسعه‌طلبی این دولت استعماری بر مشرق زمین نبوده است. به هر حال، با پایان یافتن جنگ اول جهانی، عراق تحت سیطرهٔ انگلیس قرار گرفت و وابسته به حکومت مستعمرهٔ هند شد.

سرپرستی کاکس، که از شخصیت‌های با تجربهٔ استعمار انگلیس بود، به عنوان حاکم سیاسی عراق تعیین گردید و کلیهٔ اختیارات قانون‌گذاری و اجرایی از سوی دولت انگلیس به او واگذار شد.^(۹) گفته می‌شود: استعمار انگلیس همان زمان ملت عراق را مجبور کرده بود تا نمایندهٔ دولت بریتانیا، سرپرستی کاکس، را به عنوان رئیس حکومت عراق بپذیرند و از او فرمان‌برداری و اطاعت کنند. از این‌رو، مرحوم میرزا محمدتقی شیرازی پیش از فتوای جهاد، فتوای دیگری داده بود مبنی بر این‌که انتخاب غیر مسلمان جایز نیست. در این فتوا آمده است: «إِنَّ الْمُسْلِمَ لَا يَجُوزُ لَهُ أَنْ يَخْتَارَ غَيْرَ الْمُسْلِمِ حَاكِمًا.» (محمدتقی الحائری شیرازی)^(۱۰)

کاکس در آوریل ۱۹۱۸ به عنوان وزیر مختار انگلیس به تهران منتقل شد و در صدد تهیه و تحمیل قرار داد ۱۹۱۹ و ثوق‌الدوله برآمد و جای او را در عراق آرنولد ویلسون گرفت. این شخص با کوشش‌های فراوان توانست تشکیلات اداری منظمی در عراق ایجاد کند، ولی اشکال کار او این بود که پختگی سیاسی سرپرستی کاکس را نداشت و روحیهٔ نظامی در او قوی‌تر بود.^(۱۱) به همین دلیل، حکومت انگلیس در تابستان سال ۱۹۱۹ در صدد باز گرداندن کاکس به عراق برآمد، ولی چون هنوز کاکس دست‌اندر

منعقد کند. او پس از ۹ ماه تلاش، آن را عملی ساخت. ایرانیان مقیم کربلا از این جریان با خبر گشته، به آیه‌الله شیرازی شکایت کردند. وی در ۱۱ آوریل ۱۹۱۹ در نامه‌ای به و ثوق‌الدوله خواهان لغو آن معاهدهٔ ننگین شد. این نامه مورد تأیید و امضای آیه‌الله شریعت اصفهانی و سید اسماعیل صدر نیز قرار گرفت، ولی و ثوق‌الدوله به آن بی‌اعتنایی کرد و معاهده را امضا نمود^(۵) که مورد خشم و نفرت قاطبهٔ ملت هوشمند ایران قرار گرفت.

مرحوم شیرازی علاوه بر مقامات بلند علمی و افتا، با مردم در ارتباط بود و با رنج و مصایب زندگی آنان همراهی کرد. وی برای مصالح عالیهٔ جهان اسلام و به ویژه مردم مسلمان عراق می‌کوشید



و در مقابل مطامع غربیان ایستادگی کرد. مرحوم حاج آقا بزرگ تهرانی در این‌باره می‌نویسد: «باید بگویم مقام والای مرجعیت و گرفتاری‌های بسیار (گرفتاری‌های مربوط به حوزهٔ طلاب، امور درسی و تحقیقی...) این فقیه بزرگ را از رسیدگی به مسائل طبقات گوناگون مردم باز نداشته بود. او همواره می‌کوشید تا از وقت پر خویش، فرصت‌هایی به دست آورد و با خویشن خلوت کند و دربارهٔ مصالح جامعه و امور مردم بیندیشد. در نتیجهٔ همین آگاهی و اندیشه بود که به اقدام‌های عظیم اجتماعی دست یازید.»^(۶)

نجف، که از دیرباز به خاطر حضور عالمان و فقیهان متعهد شیعی، مرکز تجمع افکار سیاسیون آزادی‌خواه عراق و محل مشورت و رایزنی زعمای مسلح عشایر و انجمن‌های سیاسی گردیده بود، به خوبی در برابر اشغالگران انگلیس در آغاز جنگ جهانی ایستاد و مردم عراق در سال ۱۹۲۰ م / ۱۳۳۷ ه. ق به رهبری مرجع بزرگ، میرزا محمدتقی شیرازی، و همکاری سایر علما، از جمله آیه‌الله شیخ الشریعه اصفهانی دست به انقلاب زد و به همین دلیل، انگلیس پس از اشغال عراق، پیش از هر کاری به نجف رفت تا آن شهر را به سازش بکشاند و برای این مقصود کوشش بسیار کرد.^(۷)

شیخ آقابزرگ تهرانی در شرح زحمات این عالم بزرگ در مقابله با اشغالگران می‌نویسد: «از آن جمله موضع‌گیری با عظمت وی بود در برابر دولت انگلیس، در واقعهٔ شورش عراق و طنب حقوق بر باد رفتهٔ مردم و امر به دفاع و صدور آن فتوای پر اهمیت که عراق را زیر و رو کرد. و این به خاطر عظمت او بود در جامعه و جایی که در دل‌ها داشت.»^(۸)

کار قرارداد و ثوق الدوله در تهران بود، انتقال او به عراق به تأخیر افتاد.

علمای شیعه در ایجاد انقلاب ۱۹۲۰ عراق علیه اشغالگران انگلیس نقش بنیادی داشتند. در زمان حیات و مرجعیت آیه‌الله سید محمدکاظم یزدی، صاحب *عروة الوثقی*، و در زمان اشغال عراق به وسیله انگلیسی‌ها، وی فتوایی بر جهاد علیه انگلیسی‌ها صادر کرد و فرزند خود را به جنگ فرستاد. مرحوم آیه‌الله یزدی در سال ۱۹۱۹ درگذشت و مرجعیت تام تقلید شیعیان به عهده مرحوم آیه‌الله محمد تقی شیرازی سپرده شد.

همچنین ویلسون شخصاً در سال ۱۹۱۹ برای دیدار با آیه‌الله شیرازی به کربلا رفت و چون زبان فارسی را به خوبی تکلم می‌کرد، در صدد رشوه دادن برآمد و از آیه‌الله شیرازی تقاضا کرد که شخصی را به جای کنیدار و متولّی سامراء که سنی است، از میان شیعیان تعیین کند، ولی آیه‌الله شیرازی بدون درنگ به او پاسخ داد: «کنیدار سامراء شخص بسیار خوبی است و من موافق عزل او نیستم».

ویلسون، مأیوس شد و موضوع بحث را تغییر داد و شروع به بحث در زمینه قرارداد و ثوق الدوله نمود، و فواید قراردادی را که سرپرسی کاکس در صدد تنظیم آن بود برای مردم ایران بر شمرد و از آیه‌الله انتظار داشت که او را تأیید کند؛ ولی آیه‌الله جواب داد: «ما در عراق هستیم و از عراق حرف می‌زنیم، مردم ایران به شؤون زندگی خود آشنا تر هستند و در این شرایط صحیح نیست که ما دخالتی در کار مردم ایران بکنیم».

سپس ویلسون موضوع بحث را به حوادث جنوب ایران و جنگ‌های مردم و قبایل جنوب با قشون انگلیس کشاند، و از آیه‌الله شیرازی شیرازی درخواست کرد که به جلوگیری از خون‌ریزی و متوقف شدن جنگ فتوا دهد. ولی باز هم مرحوم شیرازی پاسخ داد: «بر من جایز نیست که نسبت به چیزی که نمی‌دانم فتوی دهیم، بخصوص که مردم ایران حکومتی دارند که بر احوال آن‌ها آشنا تر است».

این مذاکرات موجب یأس کامل ویلسون شد و انگلیسی‌ها متوجه شدند نمی‌توانند روی آیه‌الله شیرازی شیرازی تأثیر و نفوذی داشته باشند.

درباره چگونگی آغاز مبارزات ضد انگلیسی مردم عراق به رهبری میرزای شیرازی در تاریخ آمده است: قرارداد «سان رمو» در ۲۵ آوریل ۱۹۲۰ در اروپا اعلام شد و طبق آن، مقرر گردید که عراق و فلسطین تحت قیمومت انگلیس، و سوریه و لبنان تحت قیمومت فرانسه باشند. این مقررات در یکم می ۱۹۲۰ به ویلسون ابلاغ گردید و آن را در عراق اعلان نمود و اعلامیه‌ای نیز صادر کرد که مردم را در خصوص معنای «قیمومت» آماده سازد.

این بیانیه به «هدف شرافتمندانه، که بریتانیا در قیمومت خود بر عراق تعقیب می‌کند، اشاره می‌کند و سپس به بدبختی‌ها و

مصایبی که عراق در طول تاریخ با آن مواجه بوده است و این که دولت بریتانیا قبول کرده است که عراق را به سوی نفع و خیر هدایت و رهبری کند»، تصریح می‌نماید. (۱۲)

آیه‌الله میرزا محمد تقی شیرازی از مخالفان سرسخت قیمومت انگلیس بر عراق بود و همیشه ظلم‌های استعمار انگلیس را در هند و سایر نقاط جهان تبلیغ می‌کرد. در هنگامی که انگلیسی‌ها می‌خواستند نقشه قیمومت را اجرا کنند، صریحاً علیه این نقشه شوم فتوا صادر کرد و این امر تحوّل در جریان سیاسی عراق به ضرر انگلیسی‌ها محسوب می‌شود. میرزای شیرازی در این

فتوا فرمود: هیچ‌یک از مسلمانان حق ندارند فرد غیرمسلمانی را برای حکومت و سلطنت بر مسلمانان برگزینند.

هفته تن از علمای کربلا نیز به عنوان حمایت، این فتوا را امضا و تأیید کردند و نسخه‌هایی از آن به سایر شهرها و مناطق عشایری فرات ارسال شد و از مردم دعوت گردید تا با اتحاد و همدلی تقاضای استقلال داشته باشند. به دنبال این فتوای تاریخی آیه‌الله شیرازی، روز ۴ شوال ۱۳۳۸، مصادف با ۲۱ ژوئن ۱۹۲۰ هزاران نفر از عشایر و مردم کربلا در صحن حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) اجتماع کردند و آیه‌الله شیخ محمد خالص زاده خطبه شورانگیزی ایراد کرد و اظهار داشت: وقتی رؤسای اسلام، مثل آیه‌الله میرزا محمد تقی شیرازی و آیه‌الله شیخ مهدی خالصی، که از نظر جسمی از همه ضعیف‌تر هستند، با عزم

راسخ و ایمان صادق در راه جهاد قدم گذاشته‌اند، چگونه ما می‌توانیم از بذل جان خود در راه این نهضت دریغ کنیم؟!

این اجتماع و تظاهرات موجب شد حاکم سیاسی کربلا به نام محمدخان بهادر بهیچانی که از سوی انگلیسی‌ها گماشته شده بود، نامه‌ای به ویلسون عامل سیاسی انگلیس در عراق ارسال و وضعیت بحرانی کربلا را گوشزد کند و از او درخواست اتخاذ تصمیم فوری برای جلوگیری از نهضت نماید. ویلسون نیز مائزبولی را با نیروهایی که مجهز به زرهپوش و مسلسل و توپ بودند به کربلا فرستاد. او شهر کربلا را در روز یکشنبه، ۵ شوال ۱۳۳۸ محاصره کرد و اعلام داشت که هدف او فقط این است که ۱۴ نفر از رؤسای شهر خود را به نیروهای انگلیس تسلیم کنند. (۱۳)

لازم به یادآوری است که مرحوم میرزای شیرازی پس از آن که زمینه آگاهی را در مردم پدید آورد و فتوای مقتدائی را صادر کرد، نظر به اهمیت موضوع، برای مشاوره، رایزنی و انتخاب تصمیم مناسب در برابر شیطن انگلیسی‌ها، دست به تشکیل محفل



سری زد که از جمله اعضای آن عبارت بودند از: شیخ مهدی خالصی، سید ابوالقاسم کاشانی و سید هبة الدین شهرستانی. این اجتماعات سری میان روحانیان نجف و رؤسای عشایر فرات نیز پی گرفته شدند. (۱۴)

آیه الله شیرازی، که از محاصره شهر کربلا و ورود نیروهای نظامی انگلیس مطلع شد، از فرمانده انگلیسی خواست تا برای حل مسالمت آمیز قضیه، پیش از این که خطایی مرتکب شود و اوضاع را بحرانی تر کند، نزد او بیاید، ولی فرمانده انگلیسی در جواب، نامه زیر را نوشت: حضرت العلامة المجتهد الاکبر آیه الله المیرزا محمد تقی الشیرازی - دام علاه - بعد از تقدیم مراسم تحیت و سلام، به عرض آن حضرت می‌رسانیم که بخشی از نیروهای ما به این منطقه وارد شده است تا امنیت را حفظ کند و عده‌ای از اشرار را که قصد افساد و غارت اموال و ایجاد رعب در قلوب مردم نمایند، دستگیر کند. نیروهای ما متعرض افراد صالح و درست‌کار نمی‌شوند. ما امیدواریم که شما از این مسأله مطمئن شوید تا رعب و اضطراب از شما برطرف شود و در خاتمه، احترامات فائقه به حضورتان تقدیم می‌کنیم. (حاکم حله مازر بولی) (۱۵)



اخطار به تهدید انگلیسی‌های اشغالگر

وقتی این نامه به آیه الله شیرازی رسید، در پاسخ مازر بولی، او را به راه عقل و صلاح دعوت کرد؛ شاید بتواند از این راه انگلیسی‌ها را از مقاصد شوم خود منصرف سازد. در این پاسخنامه آیه الله آمده است:

به حاکم سیاسی حله مازر بولی هدها الله

نامه شما را خواندیم و بی نهایت از مضمون آن متعجب شدیم؛ زیرا ارسال نیروهای نظامی به طرف مردمی که حقوق مشروع و ضروری خود را مطالبه می‌کنند، از امور غیر معقول است و با اصول عدل و منطق به هیچ وجه از وجوه منطبق نیست، و احتمال دارد اشخاصی که قصد بهره‌برداری و ایجاد اختلاف بین مردم عراق و انگلیس را دارند، شما را اغفال کرده باشند و بخواهند به این صورت، به مقاصد خود نایل شوند. دو شب پیش، من از شما خواستم که به ملاقات من بیایید؛ برای این که شک شما از بین برود و از این نکته غافل نشوید، ولی شما از این امر امتناع کردید، در حالی که نظرات ما در امور مملکت اصلاح و نافع‌تر از اعزام نیروی نظامی و به کار بردن زور است. و فعلاً به شما ابلاغ می‌کنم که توتل به زور از جانب شما در مقابل خواسته‌های مردم مخالف

عدل و مملکت‌داری است و اگر شما باز هم از آمدن امتناع کنید، دستورات رعایت نظم و آرامش را، که من به ملت داده‌ام، ملت می‌گردند و به ملت اختیار می‌دهم که خود هر چه می‌خواهد بکند و در این صورت، مسؤولیت نتایج سوئی که حادث شود، به عهده تو و یاران تو خواهد بود... ۶ شوال ۱۳۳۸ - محمد تقی الحائری الشیرازی (۱۶)

فرمانده انگلیسی به راهنمایی‌های مرحوم میرزای شیرازی اعتنا نکرد و نهضت ضد انگلیسی در عراق فراگیر شد. انگلیسی‌ها برای پیش‌گیری از گسترش نهضت، فرزند آیه الله میرزا محمد تقی شیرازی، به نام میرزا محمد رضا و سید محمد علی طباطبائی و عده‌ای دیگر را دستگیر کردند و به بصره فرستادند و از آن‌جا به جزیره «هنجام» در هند تبعید نمودند.

در چنین شرایطی، آیه الله کاشانی سران عشایر عرب را جمع کرد و آن‌ها را به برپایی انقلاب و جنگ مسلحانه بسیج و تهییج کرد. در اجتماع سران مبارز، بعضی از آنان در زمینه توانایی عشایر و مردم در نبرد مسلحانه تردید داشتند و می‌گفتند: هنوز وقت این کار فرا نرسیده است، ولی اکثریت موافق شروع عملیات بودند. در نتیجه، تصمیم گرفتند تا قضیه را با آیه الله میرزا محمد تقی شیرازی در میان بگذارند. به همین دلیل ۵ نفر از میان خود انتخاب کردند تا با ایشان ملاقات داشته باشند.

آن‌ها با آیه الله دیدار کردند و تصمیم خود را با او در میان گذاشتند. آیه الله میرزای شیرازی ابتدا علاقه‌ای به انقلاب مسلحانه نداشت و بیش تر به شیوه مسالمت آمیز معتقد بود و به علاوه، در مورد توانایی عشایر نیز تردید داشت. به همین دلیل، به این عده گفت: «این قضیه بسیار دشوار است و من خوف دارم که عشایر قابلیت جنگ با نیروهای اشغالگر را نداشته باشند.» ولی حاضران گفتند: عشایر توانایی کافی برای قیام مسلحانه را دارند. آیه الله شیرازی فرمودند: «من خوف دارم که نظم مختل گردد و امنیت مهم تر از انقلاب است.» حاضران باز هم اصرار کردند که توانایی حفظ امنیت و نظم را دارند و انقلاب باید شروع شود و حداکثر کوشش برای حفظ امنیت به کار رود.

چون آیه الله میرزا محمد تقی شیرازی چنین دید، فرمود: «اذا کانت هذه نیا تکم و هذه تعهداتکم فالله فی عونکم»؛ اگر نیت شما چنین است و این تعهدات را نیز به عهده می‌گیرید، پس خداوند یار و مددکار تان.

آیه الله میرزا محمد تقی شیرازی به حاضران گفت که این جمله در حقیقت فتوا به انقلاب علیه انگلیس است. ایشان در پاسخ نامه‌ای که یکی از افراد این گروه به نام جعفر ابوالمنن در تاریخ ۱۰ رمضان ۱۳۳۸، مصادف از ژوئن ۱۹۲۰ نوشت، بیانیه‌ای کلی خطاب به مردم عراق صادر کرد و در ضمن آن خواستار استقلال عراق و برقراری حکومت اسلامی گردید که متن آن چنین است: «الی اخوانی العراقیین السلام علیکم و رحمة الله و برکاته. اما بعد،

برادران شما در بغداد و کاظمین تصمیم گرفته‌اند و اتفاق نظر کرده‌اند که دست به اجتماعات و تظاهرات مسالمت‌آمیز بزنند و اجتماعات بزرگی با حفظ آرامش به منظور مطالبه حقوق مشروع ملت عراق، که منجر به استقلال عراق و برقراری حکومت اسلامی خواهد گردید، برگزار گردیده است. هر ناحیه و منطقه از عراق باید هیأتی به بغداد بفرستند و در آنجا تقاضای استقلال کنند. بر شما و جمیع مسلمانان واجب است که با برادران در بغداد و کاظمین، در این کار شرافتمندانه مساعدت و همکاری کنید و در ضمن، باید اکیداً از اخلال نظم و اختلاف و مشاجره پرهیز کنید؛ چون این امر باعث جلوگیری از وصول به اهداف است و باعث تضییع حقوق شماست که وقت به دست آوردن آن فرا رسید و به شما توصیه می‌کنم که حقوق تمام مذاهب و طرز فکرهای مختلف را که در عراق زندگی می‌کنند، مورد مراقبت قرار دهید و اموال و اعراض آن‌ها را حفظ کنید و کوچک‌ترین صدمه‌ای به آن‌ها وارد نسازید. خداوند همگی شما را به آنچه مورد رضایت اوست موفق بدارد و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته الاحقر محمدتقی حائری شیرازی» (۱۷)

به دنبال این نامه، نمایندگان مردم دسته دسته به بغداد سراریز شدند. قدرت‌های انگلیسی نخست کار را به مسامحه و امروز و فردا کردن می‌گذرانیدند و سپس شدت عمل نشان دادند. این‌جا بود که میرزا فتاوی مشهور جهاد خویش را صادر کرد. (۱۸) پیش از صدور فتوا، در روز ۲۴ مه ۱۹۲۰ مجلس جشنی به مناسبت تولد نبی اکرم حضرت محمد ﷺ در بغداد تشکیل شد و عده کثیری از مردم بغداد و کاظمین در این مجلس شرکت کردند، و پس از ایراد نطق‌های آتشین و خطاب‌های شدید علیه سلطه انگلیس، ۱۵ نفر را به عنوان نمایندگان مردم بغداد و کاظمین انتخاب کردند تا خواسته‌های مردم عراق را به مقامات انگلیسی ابلاغ کنند، اما در این دیدار بود که ویلسون با سخنان تهدیدآمیز، ابراز کرد که هر نوع توسل به زور را با قدرت سرکوب خواهد کرد و سعی کرد مسأله استقلال عراق را به تأخیر اندازد؛ ولی نمایندگان عراق از او تقاضای تشکیل فوری حکومت موقت عربی را نمودند، اما نتیجه نداشت. اولین برخورد مسلحانه در روز اول ژانویه ۱۹۲۰ میان قبیله «رمیته» و واحدهای نظامی ارتش انگلیس، که از منطقه دیوانیه اعزام شده بودند، در گرفت و چهار روز بعد، قبایل انقلابی، منطقه «سماوه» را محاصره کردند و خط آهن میان رمیته - دیوانیه و بین رمیته - سماوه و سماوه - بصره را منهدم ساختند و انگلیسی‌ها نتوانستند در آن منطقه انقلابیون را سرکوب کنند و مجبور به عقب نشینی شدند، و پادگان سماوه به محاصره انقلابیان عشایر درآمد. (۱۹)

واحدهای انگلیسی محاصره شده که به دلیل از دست دادن ذخیره غذایی و نظامی در فشار قرار داشتند، از ستاد انگلیسی‌ها تقاضای کمک کردند و در نهایت، انگلیسی‌ها بمباران هوایی و

هجوم‌های وحشیانه را به منطقه آغاز کردند. ولی متقابلاً شعله انقلاب در بسیاری از شهرهای عراق برای مقاومت در برابر ارتش انگلیس زبانه کشید. در این نبرد، تعداد کشته شدگان عشایر به ۵۰۰ نفر و از انگلیسی‌ها به قریب سه هزار نفر بالغ گردید.

در این هنگام، آیه الله کاشانی در کربلا نزد مرحوم آیه الله میرزا محمدتقی شیرازی بودند و با سعی و اهتمام از آیه الله شیرازی شیرازی خواستند تا فرمان جهاد عمومی را صادر نمایند. آیه الله شیرازی شیرازی، که در آن زمان حدود ۸۰ سال سن داشتند، فرمان مشهور جهاد علیه انگلیسی‌ها را صادر کردند و به مردم اجازه شرکت در انقلاب مستحانه و نبرد را دادند. در این فرمان آمده است: «مطالبة الحقوق واجبة علی العراقيين و یجب علیهم فی ضمن مطالباتهم رعایة السلم و الامن و یجوز لهم التوسل بالقوة الدفاعية اذا امتنع الانجیلز عن قبول مطالباتهم.» (۲۰) (الاحقر محمدتقی الحائری الشیرازی)

یعنی: مطالبه حقوق بر مردم عراق واجب و بر ایشان است که در ضمن تحقق خواسته‌هایشان، رعایت آرامش و امنیت را بنمایند و در صورتی که انگلیسی‌ها از قبول خواسته‌های مردم امتناع نمایند، بر مردم جایز است که برای دفاع متوسل به زور بشوند.

صدور این فتوا موجب شد که بسیاری از علما و روحانیان از حکم آیه الله شیرازی پی‌روی کنند و به نوبه خود، فتاوی دیگری صادر شدند و جهاد علیه انگلیس عمومی گردید، و قبایل مختلف عربی با پایبندی به اصول و فروع اسلام، خود را برای شرکت در این جهاد و انقلاب آماده ساختند، و جنگ در مناطق گوناگون عراق علیه اشغالگران انگلیس قوت گرفت.

انگلیسی‌ها به دست و پا افتادند و درخواست تشکیل جلسه با حضور سران قبایل کردند. در آن جلسه، رؤسا و زعمای عراق باز هم تأکید کردند که ما تنها حق مشروع خود را خواهیم و شروط خود را برای مذاکره چنین ذکر کردند:

۱. استقلال کامل و تام عراق؛
۲. توقف جنگ در منطقه رمیته و اطراف آن؛
۳. جمع‌آوری ارتش انگلیس از سرزمین عراق و تمرکز آن در بغداد تا مذاکرات در آن‌جا برای تعیین سرنوشت عراق شروع شود؛
۴. آزادی فرزند میرزای شیرازی و سایر تبعید شدگان. (۲۱)

انقلاب همه مناطق عراق را فرا گرفت و نیروهای انگلیس در آن زمان در عراق بین ۱۳۰ تا ۱۵۰ هزار نفر بودند که به انواع سلاح‌های جدید، مانند تانک زرهپوش، نیروهای هوایی و ناوگانی از کشتی‌های جنگی در سواحل خلیج فارس، و تعداد زیادی قایق جنگی مستقر در دجله و فرات، مجهز بودند. به علاوه در حدود ۱۲ هزار سرباز انگلیسی نیز در مناطق شمال غربی ایران و کرمانشاه بودند که به عنوان نیروهای ذخیره برای ارتش انگلیس محسوب می‌شدند. شهر کربلا عملاً مرکز انقلاب محسوب می‌شد و رؤسای عشایر و علما غالباً جلسات خود را در آن‌جا برگزار می‌کردند. روزی که

شروع نبرد مسلحانه در کربلا اعلان شد، عده کثیری از مردم از خانه‌های خود خارج شدند و مسلسل‌های خود را به دوش گرفتند و به تیراندازی‌های هوایی اقدام کردند.

نامه به جامعه ملل

آیه‌الله شیرازی، که از حکومت انگلیس مایوس گردید و به او ثابت شد که سیاستمداران انگلیس فکر و هدفی جز استعمار ندارند، نامه ذیل را به جامعه ملل نوشت و از طریق ایران به ژنو فرستاد. قسمت‌هایی از این نامه به این شرح است: «بعد از این که مرجعیت روحانی از طرف امت اسلامی به من واگذار گردید، من از طرف این امت به مقام رفیع جامعه ملل به سبب آنچه حکومت اشغالگر انگلیس در عراق انجام می‌دهد، از قساوت‌های گوناگون و ریختن خون بی‌گناهان شکایت می‌کنم. زمانی که ملت عراق از دولت‌های انگلیس و فرانسه تقاضا کرد که به وعده‌هایی که درباره استقلال عراق داده‌اند، عمل کنند، نیروی نظامی انگلیس به اتکای قدرت، به ملت یورش برد و هر که را که خواست، نابود کرد و هر که را خواست حبس و تبعید نمود؛ خانه‌ها را سوزاندند و ویران کردند، اموال را غارت و مصادره کردند و اعمالی مرتکب شدند که هرگز با روح تمدن مورد ادعای آنان سازگار نیست و اعمالی که از انگلیس سر زده است، مورد تقبیح هر انسانی است. مردم عراق بعد از آن که احساس کردند که حکومت انگلیس حاضر به شنیدن مطالب حق آنان نیست و به طرز مسالمت‌آمیزی نمی‌توان قضیه را خاتمه داد، دست به دفاع از نفس و شرف خویش زدند. و چون جامعه ملل یاری دهنده ضعیفاست، این مختصر را برای شما بیان کردیم و شما را از نقش حکومت انگلیس در عراق آگاه ساختیم. به جامعه ملل، که نماینده عدالت است، متوسل می‌شویم. پس ملتی را که در صدد دفاع از حقوق خویش است، یاری دهید.» ۱۷ ذی القعدة ۱۳۳۸ محمد تقی الحائری (۲۲)

آیه‌الله شیرازی به ارسال این نامه اکتفا نکرد، بلکه جبهه نبرد را هر چه بیش تر علیه نیروهای انگلیس تقویت کرد و به طوری که مؤلف کتاب الحقائق الناصعه می‌نویسد: در میان رجال دین و علما، آیه‌الله کاشانی و سید محمدعلی هبه‌الدین شهرستانی و سید احمد خراسانی دست راست او در این نهضت بودند. (۲۳) این مؤلف از قول آیه‌الله شیخ محمد خالصی نقل می‌کند که آیه‌الله سید ابوالقاسم کاشانی در جریان انقلاب فتوایی صادر کرد که این فتوا از طرف آیه‌الله میرزا محمد تقی شیرازی نیز توشیح شد. طبق این فتوا، کسی که در میدان جهاد کشته می‌شود، شهید محسوب می‌شود و برای دفن، احتیاج به آداب و رسوم مسلمانان، یعنی غسل و کفن، ندارد. (۲۴)

ارتحال و درگذشت

مصایب و ناراحتی‌های روحی این نهضت در آیه‌الله میرزا

محمد تقی شیرازی اثر گذاردند و یک روز که برای انجام نماز از صحن کربلا عبور می‌کرد، تعداد کثیری از اجساد و جنازه‌های شهدا را، که از جبهه‌های جنگ آورده بودند، مشاهده کرد و به شدت متأثر گردید. این آخرین روزی بود که از خانه خود برای ادای فریضه نماز خارج شد؛ زیرا پس از آن به تدریج، صحت و سلامتی او رو به ضعف نهاد و بستری گردید. پس از چند روز، در سن ۸۰ سالگی، در غروب روز ۱۷ اوت ۱۹۲۰، سوم ذی‌حجه ۱۳۳۸ دار فانی را وداع گفت و در کربلا دفن گردید و مردم عراق و جهان تشییع را در سوگ خود به غم و اندوه نشاند. ولی حرکت انقلابی او به وسیله مردانی الهی، بخصوص آیه‌الله شیخ الشریعه اصفهانی، تداوم یافت. نهضت و مبارزات ضد استعماری او به عراق حیات جدید بخشید و نام نیکو و خدماتشان میان عراقیان شهرت پیدا کرد و در مراکز علمی و پژوهشی مورد بحث و تحقیق قرار گرفت. (۲۵)

پی‌نوشت‌ها

- ۱- مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران (در قرون ۱۲، ۱۳، ۱۴ هجری) ج چهارم، تهران، زوار، ۱۳۷۱، ج ۵.
- ۲- شیخ آقابزرگ تهرانی، نقباء البشر، ج ۱، ص ۲۶۱-۲۶۲.
- ۳- محمدعلی مدرسی، ریحانة الادب، ج ۴، ص ۱۲۲.
- ۴- شیخ آقابزرگ تهرانی، پیشین، ج ۱، ص ۲۶۳ و ر.ک: محمدرضا حکیمی، بیدارگران/آقایم قبله، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۲، ص ۱۰۴.
- ۵- ر.ک: محمد صادقی تهرانی، نگاهی به تاریخ انقلاب اسلامی ۱۹۲۰ عراق و نقش علماء مجاهدین اسلام، قم، دارالفکر، ص ۴۵.
- ۶- شیخ آقابزرگ تهرانی، پیشین، ج ۱، ص ۲۶۲.
- ۷- ر.ک: استاد حسن الاسدی، ثورة الانجف، ص ۶۶، ۳۶-۳۶۴ / محمدرضا حکیمی، پیشین، ص ۱۱۲.
- ۸- شیخ آقابزرگ تهرانی، پیشین، ج ۱، ص ۲۶۲ / محمدرضا حکیمی، پیشین، ص ۱۱۶.
- ۹- ر.ک: علی الوردی، لمحات اجتماعیه من تاریخ العراق الحديث، ج ۵، ص ۴۹ / محمد صادقی تهرانی، پیشین، ص ۲۴.
- ۱۰- خیرالدین زرکلی، الاعلام، ج ۶، ص ۲۸۸-۲۸۹ / محمد رضا حکیمی، پیشین، ص ۱۱۷.
- ۱۱- علی الوردی، پیشین / محمد صادقی تهرانی، پیشین.
- ۱۲- علی الوردی، پیشین، ج ۵، ص ۱۰۵ / محمد صادقی تهرانی، پیشین، ص ۴۴.
- ۱۳- ر.ک: محمد صادقی تهرانی، پیشین، ص ۴۸.
- ۱۴- ر.ک: محمدرضا حکیمی، پیشین، ص ۱۱۶ به بعد.
- ۱۵- ر.ک: فریق المزهري آل فرعون، الحقائق الناصعه فی الثورة العراقية سنة - ۱۹۲۰ و نتائجها، بغداد، ۱۳۷۱ ق / ۱۹۵۲ م / محمد صادقی تهرانی، پیشین، ص ۴۹.
- ۱۶- فریق المزهري آل فرعون، پیشین، ج ۱، ص ۱۵۴ به بعد / ر.ک: محمد صادقی تهرانی، پیشین، ص ۵۰.
- ۱۷- علی الوردی، پیشین، ج ۵، ص ۱۸۳ / محمد صادقی تهرانی، پیشین، ص ۵۳ به بعد / محمدرضا حکیمی، پیشین، ص ۱۱۷-۱۱۸.
- ۱۸- خیرالدین زرکلی، پیشین، ج ۶، ص ۲۸۸-۲۸۹ / محمدرضا حکیمی، پیشین.
- ۱۹- علی الوردی، پیشین، ج ۵، ص ۲۳۵ / فریق المزهري آل فرعون، پیشین، ج ۱، ص ۱۹۵ / محمد صادقی تهرانی، پیشین، ص ۵۵.
- ۲۰- شیخ آقا بزرگ تهرانی، پیشین، ج ۱، ص ۲۶۳ / کوتولف، ثورة العشرين الوطنية التحريرية فی العراق، بغداد و بیروت، ۱۹۷۵، ص ۱۱۵-۱۱۶ / محمد صادقی، پیشین، ص ۵۶.
- ۲۱- ر.ک: فریق المزهري آل فرعون، ص ۱۹۷-۲۰۱ / محمد صادقی تهرانی، پیشین، ص ۵۹.
- ۲۲- محمد صادقی تهرانی، پیشین، ص ۶۹.
- ۲۳- علی الوردی، پیشین، ج ۵، ص ۲۹۸.
- ۲۴- فریق المزهري آل فرعون، پیشین، ص ۳۴۹-۳۵۰ / محمد صادقی تهرانی، پیشین.
- ۲۵- شیخ آقابزرگ تهرانی، پیشین، ج ۱، ص ۲۶۳.